

## ریشه‌یابی مفهوم شاخ (گاو و بز) در فرهنگ اسطوره‌ای ایران و بین‌النهرین

نویسنده: آزاده مال میر<sup>۱</sup> \*

۱. کارشناسی‌ارشد، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

نقش جانوران شاخ‌دار از آغاز تاریخ، موضوع آثار هنری پیش از تاریخ بوده و نمایش این جانوران علاوه بر نماد باروری، به سبب تاثیر عقاید جادویی یا مذهبی انجام می‌گرفته؛ همچنین شاخ قوچ و گاو را نماد آفرینش و شعاع نور دانسته‌اند. نشانه‌های زیادی از قوچ، گاو و شاخ‌هایشان از دوران باستان برجای مانده است. با توجه به تقدس و اهمیت گاو و بز، از دوران کهن تاکنون و استفاده از نقش آن‌ها در آثار باقی‌مانده از فرهنگ‌های مختلف، اولاً، چرا شاخ این حیوانات به عنوان یک نماد مهم، به عنوان یک عنصر مقدس شناخته شده است؟ در آثار دوره‌های بعد نیز این عنصر را می‌بینیم که در کنار ماه یا خورشید قرار گرفته و مهم شمرده شده‌اند. دوم، این سوال وجود دارد که چرا امروزه هم با این واژه مواجهیم: «شاخ خوش‌یمن است، خوش‌شانسی می‌آورد»، ریشه این تفکر در چیست؟ هدف از این پژوهش ریشه‌یابی معنا و مفهوم شاخ به عنوان یک عامل مقدس از دوران کهن تا کنون است و در آثار هنری و فرهنگی قبل از تاریخ تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع متنی، تصویری، به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی از موزه‌ها و منابع اینترنتی، پرداخته شده است. براساس جامعه آماری از تصاویر یافت شده، آثار باقی‌مانده درخصوص مفاهیم جانوری در حوزه پیکرنگاری و نقش برجسته، سفالگری و مفرغ‌های لرستان در ایران و بین‌النهرین مشاهده می‌شوند؛ نتیجه پژوهش، ریشه‌یابی مفهومی «شاخ»، از نمادهای کهن در زندگی مردم پیش از تاریخ تا به امروز است.

واژه‌های کلیدی: شاخ، گاو/نر/ماده، بز/قوچ، نماد، اسطوره

## مقدمه

بشر از زمانی که خود را شناخت، متوجه شد در طبیعت یک نیروی عظیم و غیرقابل کنترل وجود دارد و او نمی‌تواند با آن مقابله کند و در پی آن بوده تا بتواند آن نیروی عظیم را کنترل یا بر آن غلبه کند. حیوانات عظیم‌الجثه و وحشی در طبیعت برای انسان همان ترس از مرگ را در پی داشت و غلبه بر این حیوانات وحشی برای انسان به منزله غلبه بر طبیعت و مرگ بود. تصویر یک حیوان وحشی یا نمادی از طبیعت در دیوارنگاری‌های کهن مربوط به انسان نخستین، تصویر گاو وحشی عظیم‌الجثه است که نماد طبیعت است.

بن‌مایه‌های اساطیری زمانی ریخته شده که انسان نخستین گام‌های اولیه خود را در سرزمین اندیشه گذاشت. اسطوره‌ها زبان فرار ترس‌های انسان از طبیعت وحشتناک بود. انسان اولیه شناختی از تمام وجوه آن نداشت و برای گریز از آن دل به قدرت‌های فارغ از زمان و مکان داد که زاییده همان طبیعت بودند. رسیدن به اصل اسطوره، همان اصلی است که اعضای یک اجتماع باستانی را وامی‌داشته تا مفاهیمی را معتبر، مفاهیم دیگر را کاذب، مفاهیمی را مقدس و مفاهیمی را شریر بدانند (جوادی، عادلوند، ۱۳۹۹: ۲۲).

اسطوره نزد انسان اولیه به معنی یک داستان راستین است و از این فراتر، داستانی است که چون گنجینه‌ای بسیار ارزشمند جلوه می‌کند؛ زیرا مقدس و معنی‌دار بوده و کارکرد آن برداشتن حجاب از رازهای جهان هستی است (همان: ۱۸). در اسطوره‌ها نخستین گاو آفریده، گاوی که میترا بر آن غلبه کرد و آن را شکست داد تا خیر و برکت زمین را فرا گیرد. گاوی که گیل‌گمش و دوستش او را شکست دادند تا بتوانند بر نیروی طبیعت غلبه کنند. زمانی انسان توانست گاو را اهلی کند و گاو حیوانی بود که برای او خیر و برکت و روزی فراوان به همراه داشت و ارزشمند

بود. اساطیر تمام ملت‌ها به‌رغم تفاوت‌های ظاهری، ریشه‌های یکسان دارند، زیرا عامل مشترک و یکسانی در پس آنها نهفته و آن قدرت اسرارآمیز ماوراءالطبیعی است (تصویر ۱).

با این توصیف، مسأله بنیادین این پژوهش، به عنصر «شاخ» عضوی از حیوانات اسطوره‌ای که خود معانی متفاوت در فرهنگ‌های مختلف دارد، می‌پردازد. شاخ حیواناتی نظیر گاو و بز در تصاویر به جای مانده از آثار تاریخی بیانگر چه مفهوم خاصی بوده است؟ در طبیعت، حیوانات با شاخ و بدون شاخ یافت می‌شوند اما تصاویری وجود دارد از انسان‌هایی که دارای شاخ بودند؛ شاخ بر سر تاج یا کلاه افراد خاص و برای مردمان امروز با چه باوری وجود داشته و دارد؟

## روش تحقیق

روش این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع متنی و تصویری و به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بر اساس جامعه آماری از تصاویر یافت شده، آثار باقی‌مانده درخصوص مفاهیم اسطوره‌ای جانوری و عموماً در حوزه نقش برجسته، پیکره و سفال مشاهده می‌شوند. لازم به ذکر است که در مسیر بررسی اسطوره‌ها و نمایشگاه‌ها و جستجوی تصاویر مربوط، نگارنده دریافت که بررسی این موضوع به‌طور اختصاصی تاکنون صورت نگرفته و ضرورت پیدا کرده که اختصاصی به بررسی این نکته بپردازد. بنابراین، دو مورد از این نمادها در این دسته‌بندی هنری مطالعه شده و این آثار جهت شناخت شاخصه‌های هنری و رابطه میان آنها مورد مقایسه تطبیقی و شناخت بصری قرار گرفته است.

## پیشینه تحقیق

مفهوم شاخ و تاثیر آن بر فرهنگ مردمان گذشته و امروز، پایه پرسش اصلی این پژوهش است.

در خصوص چارچوب نظری حاضر، این پژوهش بر اساس آفرینش‌های هنری، با رویکردی تاریخی به چرایی کاربرد شاخ حیوانات در روزگار کهن و ریشه‌یابی و تفکر استفاده از آن در زندگی مردمان امروز می‌پردازد و بیشترین نزدیکی را با دیدگاه میرچا /لیاده دارد. شاخ در فرهنگ ملل مختلف گاهی با معانی یکسان و متفاوت به کار رفته است. نگارنده به بررسی نقش شاخ بر آثار هنری عصر کهن و به طور خاص شاخ گاو و بز در ایران و بین النهرین می‌پردازد.

## اسطوره

اعتقادات دینی انسان نخستین با اسطوره شکل می‌گیرد و با روایات و تاریخ هم‌ریشه است. اسطوره‌ها حقایقی از اندیشه‌ها و افکار مردم نخستین است که با داستان‌های مختلف درآمیخته و به صورت نمادین و رمزگونه بیان شده است. انسان همواره برای بیان آرزوهای فرازمینی خود از نماد استفاده می‌کرده تا آنها را در جریان پرتلاطم تاریخ ماندگار نگه دارد؛ در پس این نمادهای تصویری، دانشی عمیق نهفته است که نیازمند تأملی خردمندانه است. این تصاویر عموماً درباره زمان بی‌زمان سخن می‌گویند که با زمان دنیوی متفاوت بوده و با عالم معنوی و دینی پیوند خورده است. اسطوره مجموعه‌ای از دانش بشری است که در گذر زمان شکل گرفته و حقیقتی در نهاد بشر و برآمده از حیات انسان است. اسطوره‌های ملل مختلف حاکی از باورها، نوع معیشت مردم، نیازهای آنان، شرایط اقلیمی و جغرافیایی است که اغلب با توسل به شخصیت‌های اسطوره‌ای و نیروهای ماوراءالطبیعی بر ترس خویش از طبیعت غلبه می‌کنند و برای حفظ نعمت‌های هستی‌بخش، آنها را مورد ستایش و یا پرستش قرار می‌دهند (جوادی، عادلوند، ۱۳۹۹: ۱۷).

درباره نمادهای جانوری تاکنون پژوهش‌ها و کتب بسیاری نگاشته شده که می‌توان به‌طور گسترده مورد بررسی قرار داد، اما در این میان کمتر پژوهش‌هایی به‌طور خاص درباره «شاخ» و ریشه‌یابی مفهوم نمادین آن در حوزه رسانه‌های هنری در دست است. کتاب «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب» (۱۳۹۳) نوشته «جیمز هال» و مجموعه کتب فرهنگ اساطیر ملل در چاپ‌ها و نشریات مختلف، نمادها و اسطوره‌های بسیاری را از سراسر جهان مورد بررسی قرار داده‌اند. در گروه مقالات نمادشناسی، مقاله «تحلیلی برآیین قربانی میترا و نمادهای آن براساس آثار هنری» اثر «یوسف منصورزاده، مینو بهفروری» (۱۳۹۷)، به بررسی نمادهای جانوری و اشکال مختلف پیکره میترا در حال قربانی گاو، پرداخته است؛ مقاله «نمادهای جانوری فره در هنر ساسانی» اثر «غزاله ایرانی ارباطی، محمد خزایی» (۱۳۹۶) نمادهای جانوری در هنر ساسانی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و نزدیکترین نمونه‌ها به موضوع حاضر بوده است. مقاله «تحلیل نقوش جام شوش از منظر ساختار و مفهوم» اثر «مرضیه پولاد چنگ، مانده جابری‌راد، ادهم ضرغام» (۱۳۹۳) مفهوم نقوش جام شوش را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و مفهوم نقش بز را بررسی می‌کند و از نمونه‌های مورد توجه برای این موضوع قرار گرفته است... و مقاله‌های دیگری که اشاره مختصری به عنصر شاخ داشته و نگارنده با جمع‌آوری و بررسی این توصیفات به‌ریشه‌یابی مفهوم شاخ به‌طور خاص، به موضوع «شاخ» پرداخته است.

## مفاهیم نظری تحقیق

مبنای این مقاله، بر پایه اسطوره‌های ایرانی و بین‌النهرینی و گریزی به اسطوره‌های مصر و یونان و بررسی مفاهیم محوری پژوهش در مورد نقش شاخ بر روی نقش برجسته‌ها، پیکره‌ها و دیگر آثار باقی‌مانده است و بررسی

است. نشان خدایان بی‌شمار شامل الهه‌های مادر مانند آستاراته<sup>۱</sup> بود و جنبه‌ای از تاج‌ها و کلاه‌خودهای پادشاهان و جنگجویان به شمار می‌رفت. شاخ وابسته به نرینگی بود. در بین‌النهرین از روزگاران پیشین، یک کلاه با یک یا چند جفت شاخ به‌طور واضح، پوشش سر یکی از خدایان و در طی دورهٔ سلسلهٔ کاسی‌ها<sup>۲</sup> (Kassite از حدود ۱۶۰۰ ق م) پوشش سر آنو<sup>۳</sup> (Anu) و انلیل<sup>۴</sup> (Enlil) بود (تصویر ۳). در دورهٔ آشوری (حدود ۹۰۰ ق م) تاج مشخصهٔ خدایان ایشتار<sup>۵</sup> و شمش<sup>۶</sup> و نینورتا<sup>۷</sup> بود. شاخ‌های گاو نر نقش‌پردازی شده بر روی محراب‌های باستانی مربوط به کرت و از دورهٔ مینوسی<sup>۸</sup> یادآور پرستش گاو نر است (هال، ۵۷: ۱۳۹۰).

شاخ بخشی از پوشش سر بسیاری از خدایان مصری است که غالباً با قرص خورشید نشان داده می‌شود. گاو نر و ماده هر دو با خورشید در ارتباطاند و بدین ترتیب با هاتور<sup>۹</sup> و ایزیس<sup>۱۰</sup> که از آن مشتق شده مربوط است. آپیس<sup>۱۱</sup> (Apis) گاو-خدا، به شکل حیوان، یک قرص خورشید میان شاخ‌های خود دارد (تصویر ۴).

#### مفاهیم شاخ در فرهنگ‌های گوناگون:

۱. ماهی که همیشه تابان است، گاو به ماه مربوط است حتی شاخ گاو شبیه هلال ماه تعبیر شده است.

۲. قدرت و پادشاهی، تقریباً همهٔ تصاویری که از گیل‌گمش در لرستان به دست آمده او را شاخ‌دار نشان می‌دهد (تصویر ۵). ایزیس مصری و اسکندر مقدونی و کورش کبیر نیز شاخ‌دار تصویر شده‌اند. همچنین قوچ نمادی از فرهٔ کیانی بوده که شاهان ایرانی همواره به تأیید آن نیاز داشتند و بدون آن نمی‌توانستند فرمانروایی کنند؛ برای همین شاخ قوچ بر روی تاج پادشاه می‌نشست (تصویر ۶).

در داستان قربانی کردن نخستین گاو یا گاو مقدس توسط میترا، گاو وحشی مشغول چرا در علفزار است که ناگهان میترا او را می‌گیرد و بردوش خود حمل می‌کند و به غاری می‌برد. در برخی از نقش‌برجسته‌ها میترا سوار گاو می‌شود و شاخ‌هایش را به دست می‌گیرد. در دست گرفتن شاخ‌های گاو یعنی غلبه بر طبیعت، غلبه بر حیوانی نیرومند و نشان‌دهندهٔ قدرت و توانایی کسی است که توانسته بر این نیروی عظیم غالب شود. قربانی کردن این گاو برای حاصلخیز کردن زمین و پیروزی خیر بر شر و مسئلهٔ آفرینش است یعنی مرگ و رستاخیزی؛ شاخ بر تاج یا کلاه، به مفهوم آن است که توانسته بر آن نیروی عظیم فائق آید و این قدرت از آن اوست. نبرد میترا و گاو سمبل رنج‌هایی است که انسان بر زمین تحمل می‌کند و کشاندن گاو در جاده‌ای پر مانع نماد آزمایش‌های سختی است که خدایان بر انسان‌ها روا می‌دارند. میان گاو و ماه رابطه است، گاو شکل تمثیلی ماه و ماه بنیان هستی است. ماه نیز به نوبهٔ خود موجب رویش و بالیدن است. گاو حامل زندگی است به همین جهت میترا با قربانی کردن گاو که یک پیام الهی است رویش و نمو برکت و هستی را رونق بخشد. (تصویر ۲).

علاوه بر گاو وحشی در اسطوره‌ها و نمادها، حیوانات شاخ‌دار دیگری از جمله بزکوهی، گوزن و... می‌بینیم، اما در این پژوهش به دو حیوان مورد توجه در ایران، می‌پردازیم؛ «شاخ بز و گاو و مفهوم آنها به‌عنوان نمادی بر روی تاج و کلاه قهرمانان».

#### مفاهیم شاخ

نماد شاخ برای اولین بار از هزارهٔ چهارم ق.م به کار برده شده و بر روی تاج و کلاه خدایان و نیز در تزیینات بنای معابد جهت به نمایش گذاشتن جایگاه خدایان به کار رفته است. شاخ (Horn)، به‌ویژه شاخ‌های گاو نر و ماده، قوچ و بز کوهی، در میان اقوام مختلف مظهر قدرت و نیرو بوده

۳. مظهر نیروی باروری، شاخ مظهر زاینده گی و باروری بوده است و برای همین بر سردر عمارات و خانه‌ها قرار می‌گرفت (تصویر ۷).

۴. نماد دوری چشم‌زخم، شاخ در تمام فرهنگ‌های هندواروپایی نشانه دفع بلا و چشم زخم و دوری از شومی است. کلاه‌خودهای مزین به شاخ هم بیشتر بر این مسئله حکم می‌کنند. در روستاهای ایران هنوز هم بر سردر برخی خانه‌ها شاخ دیده می‌شود. در قبرستان برخی از روستاهای مناطق کوهستانی خراسان شمالی در قسمتی از قبر آدمیان چوب بلندی نصب شده که تلی از شاخ بزهای کوهی را که در گذشته شکار می‌شدند را نگه داشته است، این شاخ‌ها چشم زخم را از مردم روستا دور می‌کند. در سردر تعدادی از خانه‌های این روستا شاخ بز دیده می‌شود. مردم این روستا معتقدند بودن شاخ بر سردر خانه‌ها چشم‌زخم را از مردم خانه دور می‌کند. برخی می‌گویند علاوه بر این، برای ما شانس هم دارد (تصویر ۸).

### شاخ بز و قوچ

بیشترین نقاشی و حجاری‌های به دست آمده در ایران و یا در اروپا مثلاً فرانسه، تصویر جانورانی است که در محیط زیست انسان نقش حیاتی داشته‌اند. این حیوانات در اروپا بیشتر شامل اسب، گاو و در ایران بز کوهی است. این امر نشانی بر اهمیت محیط زیست و منطقه جغرافیایی و اقلیمی در به تصویر درآوردن جانوران و اهمیت آنان در فرهنگ و آیین‌های کهن است. به‌طور مثال در نقاشی‌های ایران کمتر گاو دیده می‌شود، همچنین در سنگ‌نگاره‌های اروپایی بر خلاف ایران ماموت دیده می‌شود، از این‌رو، علت این حجاری‌ها یا نقاشی‌ها هر چه باشد، محیط زیست و اهمیت جانوران منطقه، شیوه زندگی و معاش انسان اولیه، انگیزه ایجاد بسیاری از نقوش می‌تواند باشد (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۴۰).

در ایران، حدود ۳۰/۰۰۰ نقش بر دل کوه‌ها و غارها حجاری شده است و به جرأت می‌توان گفت فراوان‌ترین نقش یافته شده در سنگ‌نگاره‌ها، نقش بزکوهی به‌ویژه بزکوهی نر با شاخ‌های بزرگ و کشیده است که به سبک‌های گوناگون در غالب صحنه‌ها خودنمایی می‌کنند. بز کوهی با شاخ‌های بلند به عقب برگشته و گردن باریک بسیاری از نقوش ثبت شده در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران را تشکیل می‌دهد و به معنی درخواست آب و زاینده گی و فراوانی نعمت است. سنگ‌نگاره دایره‌ای شکل با سه شاخ کوتاه در انتها، استیلیزه نقش بز کوهی است (تصویر ۹). بز کوهی درشوش و ایلام باستان نمادی از کامیابی و خدای زندگانی گیاهی به شمار می‌رفته است. آنان معتقد بودند که میان بزکوهی با شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود دارد و شاخ‌های قوسی شکل بزکوهی می‌تواند باعث بارش باران شود؛ بنابراین هر جا بزکوهی دیده شود نشان از آب و گیاه می‌دهد. حیوانات شاخ‌دار در ابتدا به لحاظ شباهت ظاهری شاخ با هلال ماه، از نمادهای ماه محسوب می‌شدند. بزکوهی جام سفالی شوش با شاخ‌هایی بزرگ‌تر از اندازه‌ی معمول و درست شبیه هلال ماه ترسیم شده است. نحوه طراحی شاخ‌ها نشان از اهمیت اصلی نقش آنها داشته است که به حد مبالغه‌آمیزی بزرگ نشان داده شده‌اند. در جام شوش، دو شاخ تقریباً به هم رسیده و به صورت نیم‌رخ طراحی شده‌اند تا شباهتشان به هلال ماه کاهش یابد و در شب‌های آخر ماه بارزتر شود. از دیگر دلایل اهمیت نقش بز برای مردمان چهارهزارسال ق.م، این است که «این حیوان پر زور از دیرباز مرکز قدرت تلقی می‌شده و همواره حیوان جلودار رمه بوده است. به همین سبب مأنوس و مهم به‌شمار می‌رفته است»؛ گاه بر سفالینه‌های باستان نقش خدایی نیز داشته است (تصویر ۱۰).

غالباً نقوش بز کوهی در مناطق نزدیک به آب دیده شده که حتی امروزه جزء مناطق با برکت به حساب

بسیار مهمی ایفا کرده و همان‌طور که نگاره‌های آن از دوره‌های پیش از تاریخ بر صخره‌ها و غارها حجاری شده، بر ظروف سفالی و فلزی نیز به کرات دیده شده است. این نقش به شکل طبیعی و یا به صورت بال‌دار در هنر مفرغ‌کاران لرستان دیده می‌شود و در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود رسید و در طی قرن‌ها نمادی از نیروی زندگی، باروری و نگهبان درخت زندگی به شمار می‌آمد (تصویر ۱۱).

در برخی منابع نگاره بزکوهی نمادی حیوانی از گیلگمش، خدای سومری و نیز ارباب حیوانات و نماد آن‌اهیتا، ایزد باران محسوب شده است. در دوران پیش از تاریخ، نگاره‌های بزکوهی بر سنگ‌ها نقاشی و حکاکی می‌شد و سفالگران شوش همواره قرص ماه یا دیگر نگاره‌های نمادین را میان شاخ‌ها و تنه بزکوهی می‌نهادند و تعداد زیادی از آب‌خوری‌های سفالین شوش در هزاره‌های سوم و چهارم غیر از حاشیه نقشی جز این ندارند. این حیوان که در باورهای قومی و اساطیری، اصل مذکر و سمبل قدرت به شمار می‌رود، یکی از حیوانات حاکم بر آسمان، دهمین علامت از منطقه البروج و همچنین یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی است که بز شاخ‌دار نیز نامیده می‌شود. بز کوهی رب‌النوع ماه است. ایرانیان برای بز کوهی و جانوران شاخ‌دار دیگر نیروی جاودانه‌ای قائل بودند و به احتمال قوی میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بودند. ماه از زمان‌های بسیار قدیم با باران مرتبط دانسته می‌شد و خورشید با گرما و خشکسالی، بنابراین شاخ در نزول باران مؤثر شمرده شده و این وابستگی آب به‌طور برجسته روی ظروف جلوه‌دار شد و همواره قرص ماه در میان هلال شاخ‌ها همچون مخزن آب به تصویر کشیده می‌شد (پولادچنگ، جابری‌راد، زرغام، ۱۳۹۲: ۱۱).

میش وحشی با شاخ‌های زیبای پیچیده و به شکل بز نر جنگجو و شاخ‌های تیز است. با بررسی نقشمایه بز کوهی

می‌آیند. در این دوره نقش بزکوهی مانند یک فرشته اسطوره‌ای و مقدس نگهبان ماه و درخواست‌کننده آب، زاینده‌گی و فراوانی در همه‌جا دیده می‌شود. بز کوهی تقریباً در تمام استان‌های ایران و مناطق کوهستانی پراکنده است. این حیوان شکار طبقات مختلف اجتماع از شاه، اشراف و مردم کوه نشین بوده است. شاخ‌های آن شمشیری و زیبا است و سن حیوان از برجستگی روی شاخ برآورد می‌شود. در مورد کاربرد فراوان نقش بز کوهی، قاطعانه می‌توان گفت که به عنوان نمادی از ماه و باران، بیش از حیوانات دیگر مانند گوسفند، اسب، گوزن و شیر برای مردمان گذشته ایران اهمیت داشته و فراوانی آن نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات آن مردم است.

بز نسبت به گرما، مناطق صعب‌العبور، کوهستان و پوشش گیاهی مقاومت داشته و شکار بومی ایران است. از این‌رو اهمیت حیاتی این حیوان در معاش و گذران زندگی جوامع ابتدایی بدیهی است. برای انسان باستان شاخ این حیوان یادآور ماه است. اهمیت ماه با توجه به رابطه آن با رستنی‌ها، آب و بارش باران در طبیعت حیاتی است. اگرچه به نظر می‌رسد بز کوهی به نقشی آئینی نیز بدل شده است، اما درواقع فراوانی زیست محیطی آن در مقایسه با جانوران دیگر، در حضور پایدار این حیوان و نقوش برگرفته از آن در هنر بی‌تأثیر نیست. از این‌رو این ارزش تا بدانجا می‌رود که شاخ آن به هلال ماه تشبیه می‌شود و میان ماه، آب و بز کوهی پیوندی نمادین در فرهنگ و هنر ایران برقرار می‌شود.

اصولاً شاخ مظهر نیروی فوق‌طبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زاد و ولد و باروری است. همچنین مظهر نیروی جان با اصل حیاتی که از سر برمی‌خیزد؛ از این‌رو شاخ‌های روی کلاه‌خود یا سرپوش، نیروی مضاعف می‌بخشد. ایزدان شاخ‌دار نیز، مظهر جنگجویی، مظهر باروری و هم ارباب حیوانات به شمار می‌آیند. تصویر بز کوهی در هنر ایران از دیرباز نقش

زندگی می‌کند و کوه مخزن آب در روی زمین است، جایی که چشمه‌ها و رودها در پای آن جاری و روان می‌شوند و هر کجا که بزکوهی باشد یعنی آب و آبادی وجود دارد. بز وقتی روی قلّه کوه می‌ایستد، شاخ آن شبیه ماه است، پس ماه، شاخ بزکوهی، کوه و آب در کنار هم قرار گرفتند و بزکوهی نشان‌دهنده آب و برکت و شاخ آن هم برای مردم نماد برکت، نیرو و قدرت بود.

قوچ (Ram) یکی از شکل‌های جانوری که خدایان وابسته به زایش و باروری و در خاورمیانه، یونان و مصر باستان مورد پرستش بود. تصاویر قوچ از ۳۰۰۰-۳۵۰۰ پیش از میلاد، در پرستشگاه الهه‌های مادر سومری و همچنین ساخته شده از فلزات گران‌بها، در گورهای سلطنتی در اور حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد یافت شده است. قوچ در تمدن شرقی دارای ارزش والایی است؛ مظهر تواضع، وقار و نیرومندی و همچنین نماد خورشید است. او تجسم ایزد بهرام بوده که با شاخ‌هایی پیچیده، در اوستا به عنوان یکی از نشانه‌های پیروزی و دارای ویژگی‌های شاهان به آن اشاره شده است. از نظر گله‌داران و جوامع دامداری اولیه در فلات ایران قوچ نماد برتری بر سایر دام‌ها به‌خصوص گوسفند بود. مشخصه اصلی قوچ شاخ‌های حلزونی شکل اوست. قوچ از خدایان مذکر وابسته به باروری و زایش بوده و در اسطوره‌های مصری نماد آمون<sup>۱۲</sup> خدای آفرینش و خنوم<sup>۱۳</sup> خدای خلاقیت است. هر دو شاخ‌های رع، خدای خورشید از هر دو سو کشیده شده بود. آمون بالاترین خدای مصری کاملاً به شکل قوچ بود و به وسیله شاخ‌های متمایل به پایین مشخص می‌شد (هال، ۱۳۹۰: ۷۹).

بنابر روایات باقی‌مانده، زرتشت قبل از تولد تجسم جانوری داشته است، روزی دغدو<sup>۱۴</sup> زمانی که زرتشت را باردار بود خوابی عجیب دید و تعبیر آن بدین‌گونه بود که: «روزگار تو را بلندی دهد و کام تو از فرزند برآید و از نام، و نام تو به کیوان رسد، زرتشت نام فرزند بود و آن شاخ روشن که دیدی فره ایزدی بود که هر بدی را بازدارد»؛ و

در آب‌خوری‌های سفالی ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در شوش ابعاد غیرمتعارف شاخ‌ها مشهود است که نمادی از ماه و به عنوان سرچشمه‌ی نزول باران محسوب شده و در اکثر موارد نمادی از زمین، آب و خورشید در میان شاخ‌ها منقش است. ارتباط ماه با جذرو مد، طوفان و باران ارتباط آن با رستنی‌ها را تقویت می‌کند. در یشتها آمده است: «گیاهان در گرمای ماه رشد می‌کنند». در فرهنگ ایران باستان علاوه بر آنکه بزکوهی نمادی از بهرام ایزد پیروزی است، شاخ آن نماد ماه هست، از این‌رو در میان شاخ‌هایش نمادی از آب (باران) و یا زمین که اشاره به رستنی‌ها است دیده می‌شود. در مفرغ‌های لرستان بزکوهی در کنار آناهیتا آمده و یادآور ایزد باروری و آب و آبادانی است.

بز کوهی با شاخ‌های طویل، شاهکار هنرمندان جانورنگار لرستان است که آن را از هنرمندان آشور به ارث برده‌اند و در طرز کوچک نمودن تصاویر آنان پیشوای هنرمندان جانورنگار عهد هخامنشی بوده‌اند که اوج هنر آن در دسته کوزه‌ای از برنز و طلاکوب شده با پیکر دو بزکوهی بالدار است که به نظر می‌رسد الگوی آن دست ظرفی در مفرغ‌های لرستان با دو بز کوهی باشد (تصویر ۱۲). از میان طرح‌های منقوش حیوانی روی ظروف سفالین، نقش بزکوهی بیشتر است و با شاخ‌های بلند اغراق‌آمیز که در میان آن نقش خورشید به صورت دوایر درهم ادغام شده و نقطه‌چینی و پاره‌ای از اوقات به صورت ستاره‌ای هشت پر مشاهده می‌شود (تصویر ۱۳).

شاخ نماد خورشید نیز بوده و اغراق در نمایش شاخ‌ها نشانه گله‌داری و کشاورزی است. بز نماد نیروی جنسی نر بود. در برخی پدیده‌های هنری آناهیتا در قالب بزکوهی مجسم شده است. بزکوهی حیوان ملی ایرانیان است. عموماً پس از فرمانروایی خورشید بزکوهی حیوان خورشید نام گرفته است و علامتی شبیه ستاره چند پر در بین شاخ‌هایش بر سفال‌ها نقش شده است. بزکوهی علاوه بر این که از سمبل‌های نیروی طبیعت بوده چون در کوه

آن فرّه در قالب شاخ قوچ نشان داده شده است (ایرانی ارتباطی، خزایی، ۱۳۹۵: ۲۴).

هلال (Crescent) نماد خدایان نرینه و مادینه مربوط به ماه، در بسیاری از تمدن‌ها و همچنین نماد الهه مادر است که آن را به صورت شاخ گاو نشان می‌دهند. هلال نماد نانا (Nanna)، «خدای ماه» سومری است که در قایقی به شکل هلال از آسمان عبور می‌کرد و برای نخستین بار بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل دیده می‌شد. ایشتار دختر او نیز دارای نشان هلال بود. در غرب، یونانیان گاو را بدان روی می‌پرستیدند که شباهتی میان شاخ‌های او و هلال ماه وجود داشت. بدین ترتیب الهه ماه با شاخ‌های کوچک نشان داده می‌شد (هال، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

شاخ فراوانی (Cornucopia) شاخ پهنی است که از آن میوه‌های زمینی بیرون می‌آید. این شاخ نشانه خدایان و الهه‌ها و تجسم‌های سودمند بسیاری است. در اسطوره‌های یونانی زئوس در کودکی به وسیله بزی به نام آمالتیا (Amalthea) شیر خورد و به جای آن زئوس یکی از شاخ‌های بز را به صورت شاخ فراوانی درآورد تا از هر چه که آن حیوان اراده می‌کرد پر می‌شد (تصویر ۱۴)، (همان: ۲۹۵).

#### گاو / ماده

علاوه بر اسطوره میترا و گیلگمش در نوشته‌های زرتشتی درباره نخستین گاو آمده است؛ اهورامزدا اولین انسان که همان کیومرث بود را از گل پدیدار می‌کند و هم زمان با کیومرث، گاو را نیز می‌آفریند. انسان اولیه و حیوان اولیه در شرایط مشابه و کاملاً همسان به وجود می‌آیند؛ هردو، جزء مهم‌ترین عناصر آفرینش هستند و به نوعی تکمیل آفرینش با آنها صورت می‌گیرد.... تمام دیوان به سرکردگی اهریمن تلاش دارند در دنیای مادی و مخلوق اهورامزدا خلل و آسیب رسانند، پس ایشان هجومی بزرگ

به گیتی و آفریده‌های اهورایی می‌برند. در این تازش، گاو که آسیب‌پذیرتر بود، اول مرد و کیومرث سی روز پس از او؛ اهورامزدا روان کیومرث را به خورشید سپرد، اما مرگ گاو و کیومرث بازگشت‌پذیر بود تا در زندگی جدیدی دوباره آغاز شود. به عبارت دیگر، مرگ کیومرث و گاو یکتا آفریده به زندگی بهتر و جاودانه انسان‌ها می‌انجامد. آنها با مرگ خود به نوعی در تکمیل آفرینش شرکت می‌کنند (جوادی، عادلوند، ۱۳۹۹: ۷۱).

طبیعت در نگاه انسان عصر حجر، قوی، وحشی و عظیم‌الجثه بود. چنان‌که بزرگ‌ترین آرزوی انسان همیشه غلبه بر آن بوده است. برای انسان عصر کهن، «مرگ»، یک گاو نر وحشی است. یک گاو نر وحشی در میان انبوهی از انسان‌های مسلح در پیرامون آن. نکته جالب توجه در نقاشی‌های غارها آن است که انسان‌ها جز با گاو نر وحشی با دیگر حیوانات کاری ندارند، در طبیعت خطرهای دیگری نیز در کمین انسان است، اما بی‌شک بزرگ‌ترین خطر طبیعی برای انسان همانا مرگ است (گزگین، ۱۳۹۹: ۳۳). جمجمه گاو نر وحشی در بین‌النهرین نشان از نامیرایی و قداست اخروی بوده است. اکثر قریب به اتفاق خدایان با سرپوش‌های مزین به شاخ‌های گاو نر وحشی منقوش شده‌اند. اسکندر در سکه‌هایی که به مناسبت نامیرایی خود دستور ضربش را صادر کرد، با کلاه خود مزین به دو شاخ گاو نر وحشی به تصویر درآمده است. در یونان باستان شاخ گاو نر وحشی همواره نمادی از برکت و فزونی بوده است. در بیشتر قبایل و جوامع منسوب به بین‌النهرین، جمجمه گاو نر به نشانه دوری از بلا و مصیبت در سردر خانه‌ها جای می‌گیرد.

گاونر (Bull) جنس نرینه در طبیعت، قدرت و نیروی تولید مثل. آن را با آسمان مربوط دانسته‌اند و از نمادهای باروری و یا خدایان آفرینش شناخته شده است. پرستش گاو نر رسمی عمده در مصر، خاورمیانه باستان، شرق مدیترانه و هندوستان بود و به یونان، رم و بخش‌هایی از



عقیده داشتند که زمین روی شاخ گاو و گاو روی پشت ماهی بزرگی که در دریا شناور است، قرار دارد و چون خسته شود زمین را از روی یک شاخ به روی دیگری می‌برد و لرزش اندکی حاصل می‌شود که هنوز برخی بر این گمانند که این لرزش در تخم‌مرغ‌هایی که در سفره نوروژی بر روی آینه گذاشته‌اند در هنگام تحویل سال قابل رؤیت است.

### اسطوره‌های شاخ دار

ذوالقرنین [عربی]: به معنای صاحب دو شاخ. شاخ نشانه قدرت و جلال بوده است. پیکرهای دارای دو شاخ ریشه در اساطیر کهن دارند. مثلاً نارامسین پادشاه آکد (تصویر ۱۵) و هاتور در مصر باستان با دو شاخ مجسم شده‌اند. کوروش، اسکندر مقدونی و بسیاری دیگر از شخصیت‌های تاریخ. [در قرآن کریم نیز این کلمه آمده است]. می‌دانیم در قرآن، واژه‌ای با عنوان «ذوالقرنین» وجود دارد.<sup>۱۶</sup> برخی معتقدند منظور از ذوالقرنین، کوروش و برخی هم او را اسکندر می‌دانند. مهم این است که ذوالقرنین را «دارنده دو شاخ» معنی کرده‌اند. اگر فرضیه برخی از مفسران قرآن را در پیامبر بودن کوروش قبول کنیم وجود شاخ همچون اشیاء دیگری که به خاطر یادآور بودن آن، پیامبران جنبه تقدس به خود می‌گرفتند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. مجسمه کوروش در نزدیکی استخر که شاخ‌های قوچ دارد و بال‌های عقاب، کوروش را همان ذوالقرنین یعنی صاحب دوشاخ مشخص می‌کند.

گیلگمش: در دوران سلسله اول (حدود ۲۶۰۰ ق.م.) یکی از فرمانروایان جوان اوروک بود؛ او موجودی نیم انسان نیم الهی بوده است. رؤیای گیلگمش درباره آذرخش آسمان و یک ستاره به پایان می‌رسد و در تفسیر آن یعنی یک رفیق نیرومند نزد او خواهد آمد و آنها یکدیگر را دوست خواهند داشت. «انکیدو» دوست او شد، اما به‌رغم این نشانه‌های فرخنده، شرایطی آغاز می‌شود که انکیدو و او در

اروپا نیز راه یافت. در بعضی فرهنگ‌ها پرستش گاو نر، مربوط به الهه‌های مادر می‌شد (هال، ۱۳۹۰: ۸۵). در بین‌النهرین و مناطق مجاور، تصاویر گاوهای نر نیز مربوط به خدایان خورشید، آسمان و آب به عنوان منبع حاصلخیزی و حیات می‌شد. از شاخ‌های گاو بر فراز محراب قربانگاه و ظروف می‌گساری به نام ریتون (rhyton) به شکل سر گاو درست می‌کردند تا خون را در خود به معنای قربانی برای الهه مادر نگه دارد و به عنوان منبع باروری و حیات رسمی مهیج بود. شاخ گاو در بین النهرین بر کلاه، نماد نیرو و شکست ناپذیری بود. شمش کلاهی شاخ‌دار بر سر دارد همچنین او را به وسیله قرص بالدار<sup>۱۷</sup> که ممکن است زیر آن را دو گاو-مرد نگه داشته باشند نشان می‌دهند.

گاو وحشی که هزاران سال در ضمیر ناخودآگاه بشری نمادی از مرگ بوده است سرانجام پس از رشادت‌های فراوان در برابر ضمیر خودآگاه بشری از پای درآمد و رام و اهلی انسان شد و از نظر انسان کهن غلبه بر گاو وحشی غلبه بر مرگ و طبیعت بود. قرار دادن شاخ گاو بر سردر خانه‌ها یا کلاه‌های جنگجویان نشان از تسخیر قدرت طبیعت و غلبه بر آن و به دست آوردن نیروی طبیعت، مقابله و درنهایت تسخیر آن بود. شاخ همواره نمادی از قداست و الوهیت بوده است. گاونر/ماده، گاومیش، گاوکوهان‌دار، گاو وحشی (بوفالو)، هر یک در مناطق مختلف با اندکی تفاوت ظاهری وجود دارند که همه آنها نیز در داشتن اندامی درشت و زورمند و داشتن شاخ در شکل‌های متنوع شناخته می‌شوند. در قلمرو سومر باستان در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، به نام انلیل خدای طوفان و حاصلخیزی با عناوین خداوندگار حیات، ورزای قدرتمند، بزرگوار و سرکرده قدرتمند ایزدان را نیایش می‌کردند و شاخ این حیوان بر کلاه شاهان به عنوان نماد قدرت آسمانی ایشان قرار داشت.

شاخ گاو نر همچون شاخ بز بر بسیاری از آثار نقش شده است و نمادی از خورشید و قدرت است. در قدیم

آفرینش شریک است. کوه‌ها مخازن آب‌ها در طبیعت هستند و رودها در پای آنها جاری و هر کجا که آب و آبادانی باشد زندگی در جریان است. بزهای کوهی علاوه بر چالاکی و فرزی، نشان از آبادانی، سرسبزی و زندگی در مسیر رودها و کوهپایه‌ها دارند.

در گذر زمان و در زندگی امروز، گاو و بز همچون گذشته جزئی از زندگی مردم هستند. گذشته از این که مظهر قدرت، نیرومندی، پیروزی، خیر و برکت بوده در این عصر نیز گاو و بز به عنوان عامل مهمی در تامین زندگی انسان امروز نقش اساسی دارد. گوشت گاو و بز و محصولات که از شیر آنها بدست می‌آید، در سبد غذایی مردمان امروز جای دارد؛ همچنین پشم و پوست اینها در تهیه پوشاک استفاده می‌شود و دو نیاز ضروری انسان یعنی خوراک و پوشاک را تامین می‌کنند. بحث نظری این مقاله می‌گوید: از آنجا که انسان همواره میل به جاودانگی دارد و آنچه در تامین امنیت و معیشت او تأثیر داشته و به او قدرت و برکت بخشیده و در زندگی او نقش حیاتی داشته، برای او "مقدس" می‌شود. "شاخ" قسمتی از وجود این حیوانات است که حتی بعد از مرگ آنها باقی می‌ماند. انسان شاخ را به عنوان نمادی از پیروزی بر نیروی طبیعت و به دست آوردن قدرت این جانوران و همین‌طور نمادی از جاودانگی این نیروی عظیم با خود به همراه داشته است. اصطلاحاتی چون "شاخش را بشکن"، "شاخ خوش‌یمن است"، "شاخ شانس می‌آورد" و... مثل‌های عامیانه از این قبیل باقی‌مانده که باور شاخ به عنوان نماد جاودانگی یا خیر و برکت در تفکر و زندگی مردمان امروز است. رفتار ذهنی بشر نخستین به منظور دستیابی به حقیقت و بنیان هستی است؛ راز ماندگاری اسطوره همین است که در قلمرو فکر و ذهن و زبان انسان‌ها رسوخ کرده و حیات تازه یافته است. اسطوره از چیزی که "واقعاً" اتفاق افتاد و یا "کاملاً" به ظهور رسیده سخن می‌گوید. داستانی مقدس بوده و یک تاریخ حقیقی است زیرا اسطوره همواره در ارتباط با

حالت مبارزه قرار گرفته و با هم کشتی می‌گیرند. نتیجه این کشتی آن است که دو طرف درمی‌یابند که نه برای مبارزه با یکدیگر که برای دوستی با هم آفریده شده‌اند؛ تقریباً بلافاصله تصمیم می‌گیرند که به‌اتفاق یکدیگر غول جنگل سرو آزاد، خومبیه (یا به روایتی هووه‌وه) را که فریادش غرش طوفان، گفتارش آتش و نفسش مرگ است، از میان بردارند... خومبیه التماس می‌کند که او را نکشند، اما انکیدو گیلگمش را تشویق می‌کند که کار را به پایان برسانند. پس از بازگشت به اوروک گیلگمش خود را می‌شوید و جامه و حمایل تمیز می‌پوشد. جاذبه او الهه ایشтар را در دام عشق گرفتار می‌کند. اما گیلگمش تسلیم وسوسه این الهه نمی‌شود. ایشطار برانگیخته به آسمان بازمی‌گردد و از پدرش آنو می‌خواهد که گاو آسمان را به کمک او بفرستد تا گیلگمش را نابود سازد... پایین رودخانه گاو نعره‌ای می‌کشد، شکافی گشوده می‌شود و یک‌صد مرد جوان اهل اروپا را می‌بلعد ... آنگاه که سومین نعره را می‌کشد، شکافی دهان می‌گشاید و انکیدو در آن می‌افتد. اما انکیدو به بیرون جست می‌زند و شاخ‌های گاو آسمان را به دست می‌گیرد... گیلگمش هنرمندان را برای تحسین شاخ‌های گاو فرا می‌خواند و سپس شاخ‌ها را تزیین می‌کند (مک کال، ۱۳۷۹: ۵۱). در این داستان غلبه بر گاو آسمان نشان دهنده قدرت و نیروی آسمانی گیلگمش است که آن را به دست آورده و در تصاویر دیگر الهه‌ها، کلاه‌های دارای شاخ نمادی از همین قدرت و الوهیت است.

## نتیجه

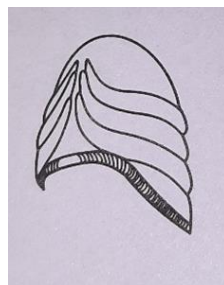
از اندیشه‌ها و افکار مردم نخستین تا به امروز، گاو چه قربانی میترا باشد "برای خیر و برکت بخشیدن به جهان"، چه قربانی گیلگمش و انکیدو باشد "برای غلبه بر پیروزی و بدست آوردن قدرت و نیروی عظیم طبیعت" و چه نخستین گاو یکتا آفریده کیومرث باشد "تا زندگی جدیدی را دوباره آغاز کند و به زندگی بهتر و جاودانه انسان‌ها بیانجامد"، با مرگ خود به نوعی در تکمیل



واقعیت‌هاست؛ اسطوره مرتبط با پیدایی عالم وجود "حقیقی" است و وجود عالم دلیل بر آن است و اسطوره بنیان مرگ نیز حقیقی است و فانی بودن انسان بر آن دلالت دارد.

## تصاویر

۳. کلاه با چند جفت شاخ، پوشش سر ادد خدای آب‌وهوا،  
طوفان، آذرخش و باران آشوری‌ها. URL 1



۱. گاو خوابیده با سر انسانی، محافظ کاخ ها و معابد. اسطوره‌های  
بین‌النهرین، مآخذ تصویر: (مک‌کال، ۱۳۷۹: ۲۴).

۴. آپیس، الهه مقدس مصریان با قرص ماه در میان شاخ، نماد فراوانی و آب  
و طغیان رود نیل. URL 2,3



۲. مجسمه مرمرین میترا در حال قربانی کردن گاو مقدس، احتمالاً متعلق  
به قرن دوم میلادی. مآخذ تصویر: (سرخوش کرتیس، ۱۳۹۲: ۱۵).



۵. پیکرک‌های گیلگمش با شاخ و بزهای کوهی بر مفرق‌های لرستان.  
URL 4



۹. سنگ‌نگاره‌های بزکوهی و شاه‌نشین آشناخور، تیمره، خمین. مآخذ تصویر: (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۳۹).



۱۰. نقش بز بر سفال‌های سیلک و شوش. شاخ موج نماد آب در سفال سیلک و درمیان شاخ بز سفال شوش. مآخذ تصویر: سایت موزه ملی ایران،

URL 8



۱۱. بشقاب زرین دوره ساسانی. شکار قوچ و نماد ماه بر تاج شاه. URL 9



۶. بشقاب مربوط به دوره ساسانی، تاج شاهی با شاخ و قرص ماه.

URL 5,6



۷. شاخ قوچ کوهی بر سردر منازل قدیمی روستای جاورتن، سبزوار.

URL 7



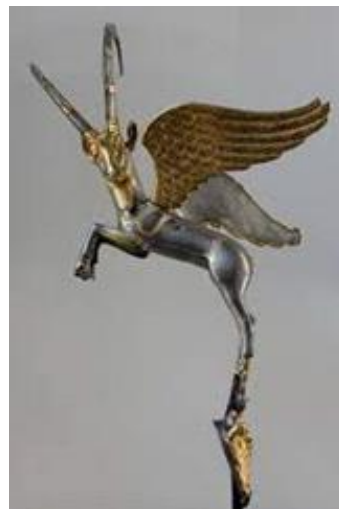
۸. سرسنتاق، زایمان با دو قوچ دو طرف زن که نماد باروری محسوب می‌شود. مآخذ تصویر: (قاسمی، ۱۳۷۵: ۱۱۰).



۱۴. شاخ فراوانی، مظهر قدرت و نیرو، به ویژه شاخ گاو و قوچ، نشان الهه‌های مادر از جمله آستارته. مآخذ تصویر: (هال، ۱۳۹۰: ۵۷).



۱۵. لوح پیروزی نارامسین، آکد، شاخ بر کلاه فرمانروا مظهر قدرت و الوهیت اوست. URL 11



۱۲. دسته گلدان بز کوهی، مربوط به دوران هخامنشیان، نقره با روکش طلا. بال و شاخ‌های بز کوهی، سمبل سرزندگی و انرژی حیوان در هنر این دوره، پاهای بز کوهی به موجودی اساطیری با نام سیلنوس شباهت دارد.

URL 10



### پی نوشت ها

- (۱) آستارته: الهه باروری، زیبایی، عشق در اساطیر فینیقیه الهه ماه نیز بود.
- (۲) کاسی‌ها: مردمانی باستانی بوده‌اند که منشأ آنها در زاگرس بوده و در فاصله سده‌های ۱۲ تا ۱۶ پیش از میلاد بر بابل فرمان‌روایی کردند.
- (۳) آنو: ANU خدای بزرگ بین‌النهرین، خدای آسمان و پدر خدایان سومر. قلمرو او آسمان و پدید آورنده کیهان به‌شمار می‌آمد، او را با نماد کلاه شاخ‌دار نشان می‌دادند.



۱۳. نمونه‌های تصویر نمادین ماه در میان شاخ بز. مآخذ تصویر: (افضل طوسی، ۱۸۱، ۵۳: ۱۳۹۳).

جنگ یا شکار بر فراز سر شاه برای حفاظت از او در پرواز است.

(۱۶) ذوالقرنین: از آیات ۸۳ تا ۱۰۱ سوره کهف، این نام وجود دارد.

### فهرست منابع

افضل طوسی، عفت‌السادات. (۱۳۹۳)، طبیعت در هنر باستان، انتشارات مرکب سفید، تهران.

ایرانی ارباطی، غزال، خزایی، محمد. (۱۳۹۶)، *نمادهای جانوری قره در هنر ساسانی*، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۴۳، صفحه ۱۹-۳۰.

بزرگ بیگدلی، سعید، فتحی، زهرا. (۱۳۹۴)، *بررسی و تحلیل مرگ و زندگی انسان نخستین، حیوان (گاو) و گیاه در اساطیر ایران از منظر نمادگرایی با تکیه بر شاهنامه فردوسی*، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۴۳، صفحه ۴۸-۳۷.

پولاد چنگ، مرضیه، جابری راد، مانده، ضرغام، ادهم. (۱۳۹۳)، *تحلیل نقوش جام شوش از منظر ساختار و مفهوم*، فصلنامه دانشکده هنر شوشتر، شماره ۵، صفحه ۷-۲۲.

جوادی، شهره، عادلوند، پدیده. (۱۳۹۹)، *اسطوره‌شناسی مروری بر جهان اساطیری*، انتشارات مهکامه، تهران.

سرخوش کرتیس، وستا. (۱۳۹۲)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.

قاسمی، سید فرید. (۱۳۷۵)، *مفرغ لرستان*، انتشارات پیغام، خرم‌آباد.

گزگین، اسماعیل. (۱۳۹۹)، *اسطوره‌شناسی هنر*، ترجمه بهروز عوض‌پور، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

(۴) انلیل: ENLIL خدای بین‌النهرین که جانشین آنو و بزرگ‌ترین خدای سومر شد، خدای هوا و باد، پادشاه آسمان و زمین، پادشاه همه سرزمین‌ها، معمولاً سودمند برای بشر بود.

(۵) ایشتار: ISHTAR الهه مادر آکدی، هدف او تأمین برداشت خوب محصول در سال آینده بود.

(۶) شمش: SHAMASH خدای خورشید، خدای بسیار کهن بین‌النهرین در سومر.

(۷) نینورتا: از خدایان کهن سومری، وظیفه او جنگ و کشاورزی با هم بود.

(۸) مینوسی: نخستین تمدن بزرگ دریای اژه که در جزیره کرت یونان به شکوفایی رسید. ثروت آن در دوران برنز به‌خاطر رواج تجارت با دیگر شهرهای یونان، مدیترانه، مصر و سوریه بود. خوشبختی آن همچنین به خاطر خاک ارزشمند کرت بود که روغن و غلات فراوان تولید می‌کرد.

(۹) هاتور: الهه مصری با سر گاو، مادر آسمانی فرعون که او را مانند گاو شیر می‌داده است.

(۱۰) ایزیس: الهه مادر مصری همسر ایزیریس و مادر و نگهدارنده هوروس.

(۱۱) آپیس: گاو مقدس در مصر باستان، پسر هاتور، از بزرگ‌ترین ایزدان پانتئون، واسطه بین انسان‌ها و دیگر خدایان قدرتمند.

(۱۲) آمون: AMUN خدای کهن آفریننده مصر، بزرگ‌ترین خدایان، نام او یعنی "آنکه نهانی است". گاو نر و قوچ که مظهر نیروی جنسی بودند، از موجودات مقدس در ارتباط با او بودند.

(۱۳) خنوم: از قدیمی‌ترین خدایان مصر باستان، او را آفریننده رود نیل لقب داده‌اند و خدای آفریننده انسان نیز می‌پنداشتند.

(۱۴) دوغدو: مادر زرتشت، به زبان پهلوی به معنی دختر یا دوشیزه.

(۱۵) قرص بال‌دار: تصویر یک خورشید-خدا، به صورت قرص خورشید با بال که به‌طور گسترده در خاورمیانه یافت می‌شود. اصل و منشا آن مصری بود. در زمان



مک کال، هنریتا. (۱۳۷۹)، *اسطوره‌های بین‌النهرین*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.

منصورزاده یوسف، بهفروزی، مینو. (۱۳۹۷)، *تحلیلی بر آیین قربانی میترا و نمادهای آن براساس آثار هنری*، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴، صفحه ۵۱-۶۰.

هال، جیمز. (۱۳۹۳)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

#### منابع اینترنتی:

1. <https://ttr.ir/2p73hz>
2. [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Apis-AF\\_12545-IMG\\_7838-gradient\\_%28cropped%29.jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Apis-AF_12545-IMG_7838-gradient_%28cropped%29.jpg)
3. <https://www.pinterest.com/pin/592293788485413403/>
4. <https://www.jirjirk.com/fun/174293082335/photo-head-of-3-000-year-old-lorestan>
5. <https://B2n.ir/qp6145>
6. <https://B2n.ir/js6576>
7. <https://javartan.blogfa.com/post/501>
8. <https://B2n.ir/wm8401>
9. <https://kishtech.ir/history-of-metal-enameling-art/>
10. <https://sofiamag.ir/c/37/17317>
11. <https://B2n.ir/sq5061>

از ساعت ۱۹ تا ۱۹:۵۰، روز ۲۹ آذر ۱۴۰۴